

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاص شیعه

استاد: حجت الاسلام و المسلمین دکتر فرمانیان

آموزشیار: حجت الاسلام و المسلمین رضایی

مقدمه

از جمله اموری که وهابیان برای تخطئه مسلمانان دیگر به آن تمسک می‌کنند، عبارتند از:
الف) تبرک به قبور و اشیاء صالحان و بوسیدن آنها.
ب) بزرگداشت موالد و وفیات بزرگان دینی.
در این درس پس از بیان هر شبهه، به نقد و بررسی آن پرداخته خواهد شد.

شبهات وهابیت

تبرک بر قبور و اشیاء صالحان

یکی از مسائلی که وهابیان به مسلمانان نسبت به آن اعتراض می‌کنند و حتی با استناد به آن حکم به شرک برخی از مسلمانان می‌کنند، تبرک به قبور و اشیاء پیامبران و صالحان است. ابن تیمیه دست کشیدن بر قبر، بوسیدن آن و مالیدن صورت بر آن را به اجماع مسلمانان حرام می‌داند و حتی در این مسئله حکم به شرک داده است. وی ایستادن در برابر بزرگان دین و بوسیدن دست آنها را نیز حرام می‌داند و معتقد است که همه این موارد از حقوق خداوند بر بندگان است و نباید این امور نسبت به غیر خدا انجام شود.^۱

همان طور که گفته شد، دلیل ابن تیمیه و علمای وهابی بر حرمت و شرک بودن چنین اموری آن است که این رفتارها نوعی از عبادت است و عبادت تنها مخصوص خداوند است و عبادت دیگران شرک به شمار می‌آید. پیش از این درباره عبادت و مشکلات فکری وهابیان در این موضوع سخن گفته‌ایم. به جز مطالبی که در گذشته ذکر شد، می‌توان پاسخ‌های دیگری نیز برای اثبات مشروعیت تبرک جستن به آثار پیامبران و صالحان ارائه کرد:

آیات قرآن

در آیات قرآن می‌توان به شواهدی دست یافت که اثبات کننده مشروعیت تبرک جستن به آثار انسان‌های صالح است:

۱. تبرک یعقوب به پیراهن یوسف: اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَيَّ وَجْهِي أَبِي يَأْتِ بِصِيرًا وَ اَتُونِي بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِينَ (۹۳) ... فَلَمَّا اَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ اَلْقَتْهُ عَلَيَّ وَجْهِي فَارْتَدَّتْ بِصِيرًا قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ اِنِّي اَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶)؛ این جامه مرا ببرید و بر روی پدرم اندازید تا بینا گردد. و همه کسان خود را نزد من بیاورید... چون مژده‌دهنده آمد و جامه بر روی او انداخت، بینا گشت. گفت: آیا نگفتمتان که آنچه من از خدا می‌دانم شما نمی‌دانید؟^۲

این آیات آشکارا بیانگر تبرک جستن یعقوب به پیراهن یوسف است. مسلماً اگر چنین رفتاری حرمت داشت، پیامبری همچون یعقوب آن را انجام نمی‌داد.

۲. تبرک جستن یهودیان به صندوق موسی: وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ اَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيْهِ سَكِيْنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ؛ پیغمبرشان گفت که نشان پادشاهی او این است که تابوتی که سکینه پروردگارتان و باقی میراث خاندان موسی و خاندان هارون در آن است و فرشتگانش حمل می‌کنند، نزد شما آید. اگر مؤمن باشید این برای شما عبرتی است.^۳

۱. ابن تیمیه، مجموع فتاوی ابن تیمیه، المكتب التعليمی السعودی بالمغرب، ج ۷، ص ۹۲-۹۳.

۲. یوسف، آیات ۹۳ و ۹۶.

۳. بقره، آیه ۲۴۸.

این آیه نیز نشان‌دهنده آن است که یهودیان صندوقی را که از موسی به جای مانده بود، مقدس می‌دانستند و حتی آن را در جنگ‌ها با خود حمل می‌کردند تا با تکیه بر آن آرامش بگیرند.

SCO۱: ۸:۱۹

روایات و سنت صحابه

صحابه رسول خدا(ص) چه در دوران حیات و چه پس از درگذشت ایشان به اشیاء بازمانده از ایشان تبرک می‌جستند. گذشته از آن روایاتی نیز از سنت برخی از صحابه در بوسیدن قبر پیامبر و تبرک به قبر ایشان وارد شده است:

اول. تبرک به اشیاء منسوب به پیامبر

۱. از انس بن مالک چنین نقل شده است: «رأیت رسول الله(ص) و الحلائق یحلقة و أطاف به أصحابه، فما یریدون أن تقع شعرة إلا فی ید رجل»؛ پیامبر را دیدم در حالی که سلمانی موهای او را اصلاح می‌کرد و اصحاب گرد ایشان جمع شده بودند. هر مویی که به زمین می‌افتاد در دست یکی از صحابه بود.^۱

۲. محمد بن سیرین می‌گوید که به عبیده گفتم: نزد ما مویی از پیامبر بود که انس بن مالک آن را به ما داده بود. پس او گفت: اینکه مویی از پیامبر(ص) را داشته باشم برایم از دنیا و آنچه در آن است، برایم دوست‌داشتنی‌تر است.^۲

۳. سهل بن سعد نقل می‌کند که قدحی داشته است که در آن به پیامبر اکرم(ص) و صحابه ایشان آب داده است. پس از درگذشت پیامبر عمر بن عبدالعزیز از او می‌خواهد که این قدح را به او ببخشد و او نیز آن را به او می‌بخشد.^۳

۴. از عایشه نقل شده است که مسلمانان نوزادان خود را برای تبرک نزد پیامبر(ص) می‌آوردند.^۴

دوم. تبرک به قبر و منبر پیامبر

۱. گفته شده است که مروان بن حکم روزی مردی را دید که صورت خود را بر قبر رسول خدا(ص) گذاشته است. به او گفت: آیا می‌دانی چه کار می‌کنی؟ هنگامی که آن مرد رو به او کرد، متوجه شد که ابویوب انصاری است. ابویوب به مروان گفت: بر دین هنگامی که اهلش بر آن ولایت دارند، گریه نکنید؛ بلکه هنگامی بر دین بگریید که ناهلان بر آن ولایت پیدا کنند.^۵

۲. تبرک بلال به قبر پیامبر(ص) در درس گذشته مطرح شد. وی پس از آنکه از شام به مدینه آمد صورت خود را بر قبر گذاشت و گریه کرد.^۶

۱. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، ج ۷، ص ۷۹.

۲. بخاری، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر، ج ۱، ص ۵۱.

۳. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۵۲.

۴. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۶۴.

۵. احمد بن حنبل، مسند، بیروت: دارصادر، ج ۵، ص ۴۲۲.

۶. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دارالفکر، ج ۷، ص ۱۳۷.

۳. اینکه عمر و ابوبکر وصیت کردند که نزد قبر پیامبر(ص) دفن شوند یا اینکه امام حسن(ع) این گونه وصیت نمودند، همگی بیانگر تبرک جستن آنها به قبر پیامبر(ص) بوده است.^۱

۴. به جز این موارد روایات دیگری نیز در پاسخ به سخنان ابن تیمیه و وهابیان بیان شده است، ولی چون از نظر سند و دلالت قابل خدشه بود، از آنها صرف نظر می‌کنیم.^۲

دیدگاه فقهای اهل سنت در بوسیدن و لمس قبر

علمای اهل سنت نظرات مختلفی در این بحث داشته‌اند، برخی آن را مستحب، برخی مکروه یا حرام دانسته‌اند؛ برای مثال عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل می‌کند که از پدرم درباره کسی پرسیدم که دست خود را بر منبر رسول اکرم(ص) می‌کشد یا اینکه به آن تبرک جسته و آن را می‌بوسد. پدرم گفت: اشکالی در آن نیست.^۳

با این حال نکته مهم آن است که علت کراهت یا حرمت نزد آنان شرک نبوده است، بلکه بی‌احترامی به ساحت نبوی بوده است. سمهودی از علمای اهل سنت در کتاب وفاء الوفاء که آن را درباره زیارت پیامبر اکرم(ص) نوشته است، گزارشی از این اختلافات ارائه کرده است: «نووی می‌گوید: جایز نیست به دور قبر پیغمبر اکرم(ص) بگردند و کراهت دارد چسباندن شکم و پشت به دیوار قبر مطهر. حلیمی نیز همین طور گفته است و دیگران گفته‌اند: کراهت دارد دست کشیدن به قبر مطهر و بوسیدن آن؛ بلکه ادب اقتضاء می‌کند به قبر نچسبید و کمی دورتر بایستد، همان طور که در حال حیات آن حضرت خدمتش می‌رسیدند و این قول صوابی است که علماء بر آن اتفاق نظر دارند. و چنانچه به خاطر کسی خطور کند که دست کشیدن به قبر و مانند آن در تبرک جستن رساتر است، از جهل و غفلت اوست؛ زیرا تبرک در کارهایی است که موافق شرع مقدس و اقوال علما باشد و غزالی در احیاء العلوم گوید: دست کشیدن و بوسیدن مشاهد از عادت یهود و نصاری است... از تألیفات ابن تیمیه نقل شده که به احمد بن حنبل گفته شد: مسلمانان شکم‌های خود را به دیوار قبر مطهر می‌چسبانند، ولی علمای مدینه دست به دیوار قبر نمی‌گذارند و گوشه‌ای ایستاده سلام می‌کنند. احمد بن حنبل گفت: ابن عمر نیز مانند علمای مدینه انجام می‌داد. ابوبکر الاثرم گوید: به احمد بن حنبل گفتم: آیا می‌توان روی قبر پیامبر اکرم(ص) دست گذارد و دست کشید؟ گفت: به این عمل آشنایی ندارم. گفتم: منبر را چه می‌گویی؟ گفت: مانعی ندارد؛ زیرا روایت کرده‌اند از ابی فدیک از ابن ابی ذئب از ابن عمر که او منبر را دست می‌کشید و از سعید بن مسیب روایت شده است که گوی منبر را که مانند انار بود، دست می‌کشید و از یحیی بن سعید استاد مالک روایت شده است که وقتی خواست از مدینه به عراق برود، آمد کنار منبر و دست کشید و دعا کرد... عز بن جماعة از کتاب العلل و السؤالات تألیف عبدالله بن احمد بن حنبل حکایت کرده است که عبدالله گفت: از پدرم سؤال کردم از شخصی که منبر رسول الله را دست می‌گذارد و تبرک می‌جوید و می‌بوسد و همچنین قبر مطهر را دست

۱. سید محسن امین، تاریخ و نقد وهابیت، ترجمه سید علی اکبر فائزی، قم: مطبوعات دینی، ص ۵۹۷.

۲. برای ارائه شواهد بیشتر رک: نجم الدین طبری، روافد الايمان، ص ۴۰-۶۲.

۳. علی بن احمد سمهودی، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۱۴۱۴.

می‌کشد و به آن تبرک می‌جوید و می‌بوسد، به این امید که خداوند متعال به او اجر دهد. پدرم گفت: ایرادی ندارد. عز بن جماعه بعد از این حکایت می‌گوید: این کلام باطل می‌کند اجماعی نووی برخلاف این نقل کرده است. سبکی در رد ابن تیمیه می‌گوید: دست نکشیدن به قبر مطهر از چیزهایی نیست که بر آن اجماع و اتفاق باشد؛ زیرا ابو الحسین یحیی بن الحسین بن جعفر در اخبار المدینه روایت نموده از عمر بن خالد از ابن نباته از کثیر بن زید از مطلب بن عبدالله حنطب که: مروان بن حکم وارد مسجد النبی شد و دید مردی چسبیده به قبر مطهر. مروان گردن او را گرفت، به او گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟ آن مرد گفت: من به سوی سنگ و به سوی خشت و آجر نیامدم، بلکه آمده‌ام به سوی رسول خدا(ص) و می‌دانم چه می‌کنم. از رسول خدا(ص) شنیدم می‌فرمود: برای دین گریه مکنید زمانی که والی و حاکم اهل دین باشد؛ بلکه گریه کنید برای دین هنگامی که غیراهلش والی و حاکم باشد. مطلب راوی حدیث می‌گوید: آن مرد ابوایوب انصاری بوده است... ابی خیثمه از مصعب بن عبدالله از اسماعیل بن یعقوب تیمی نقل نموده که ابن المنکدر هنگامی که مرض عطش پیدا کرد، می‌آمد کنار قبر مطهر صورتش را روی قبر می‌گذارد، سپس برمی‌خواست و می‌رفت... وقتی مورد سرزنش قرار گرفت، گفت: هر گاه مرضی که بر من وارد شده، شدت می‌گیرد، کنار قبر مطهر می‌آیم و به وسیله آن حضرت از خداوند شفا می‌طلبم.^۱

بنابراین چنین اعمالی حرام نیست و کسانی هم که معتقد به کراهت این اعمال شده‌اند، گمان می‌کرده‌اند که چنین اموری با ادب سازگاری ندارد، این در حالی که بسیاری از مسلمانان این کارها را خلاف ادب نمی‌دانند و نظری متفاوت دارند و این رفتارها را برای تبرک جستن می‌دانند.

ادعای شرک و کفر نیز در این موارد سخنی ناصواب است؛ چراکه پیش از این در درس‌های قبل مفهوم عبادت و شرک در عبادت را توضیح داده و اشتباه ابن تیمیه و وهابیان را روشن ساختیم.

ممکن است کسی مدعی شود که چنین کارهایی بدعت است و از این جهت حرمت دارد. هرچند در دروس گذشته مفهوم بدعت و شرایط آن را نیز توضیح دادیم، ولی می‌توان این نکته را هم افزود که برای اینکه امری از سنت و دین به شمار آید، همین قدر که تحت عمومات ادله شرعی جای گیرد کافی است. به عبارت دیگر لازم نیست به طور خاص تصریحی بر آن در شرع موجود باشد^۲ و ما نیز پیش از این برای اثبات مشروعیت تبرک جستن به قبور ادله‌ای را ارائه کردیم.

SC02: ۱۴:۰۶

۱. علی بن احمد سمهودی، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۴، ص ۱۴۰۲-۱۴۰۶.

۲. سید محسن امین، تاریخ و نقد وهابیت، علی اکبر فائزی، ص ۶۰۴-۶۰۵.

شبهات وهابیت

بزرگداشت موالید و عزاداری‌ها

یکی دیگر از عقاید وهابیان که دیگر مسلمانان را با تکیه بر آن تخطئه می‌کنند، بدعت‌انگاری بزرگداشت موالید و وفیات بزرگان دینی است. ابن تیمیه در این باره می‌گوید: «نوع دوم از ایام، روزهایی است که در آن اتفاقی افتاده است؛ همانند هجدهم ذی الحجة و اینکه برخی آن را روز را عید می‌گیرند، اصل و اساسی ندارد؛ زیرا پیشینیان و نیز اهل بیت و دیگران آن روز را عید نگرفتند و اعیاد از شرایع است که در آن باید از دستور متابعت نمود، نه آنکه بدعت‌گذاری کرد. این عمل همانند اعمال نصاری است که حوادث عیسی را عید می‌گیرند.»^۱

برخی از وهابیان پا را از این هم فراتر گذاشته و این امور را شرک دانسته‌اند. شورای فتوای وهابیان در این باره چنین فتوایی دارد: «برگزاری مراسم در سوگ پیامبران و صالحان و نیز زنده کردن یاد آنان در روز تولدشان و برداشتن علم، چراغانی و شمع نصب کردن بر قبورشان جایز نیست؛ زیرا تمام این امور از بدعت‌هایی است که در دین وارد شده و از مصادیق شرک است و پیامبر و انبیا و صالحان گذشته چنین نکرده‌اند.»^۲

استدلال‌هایی که وهابیان برای سخنان خود ارائه می‌کنند، همانند مواردی است که پیش از این آمد:

۱. وهابیان احترام و تجلیل بیش از حد را عبادت می‌دانند و به همین دلیل چنین کارهایی را از مصادیق عبادت غیرخدا و شرک تلقی می‌کنند. در درس‌های قبل به این نکته پرداختیم که فهم وهابیت از عبادت اشتباه است و در عبادت تنها خضوع و خشوع شرط نیست؛ بلکه این خضوع و خشوع باید به همراه اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت باشد.

۲. دلیل دیگر وهابیان برای تحریم بزرگداشت موالید و وفیات، بدعت است. در درس‌های قبل معنای بدعت و شرایط و ارکان آن را توضیح دادیم و همچنین در بحث از تبرک به قبور پیامبران و صالحان بیان کردیم که برای دینی بودن یک عمل همین قدر که در تحت عمومات شریعت جای گیرد، کفایت می‌کند و لازم نیست که حتماً دلیلی مختص آن عمل وجود داشته باشد. گذشته از آن اگر هر عمل نویی را بدعت انگاریم، لازم می‌آید که اقداماتی که وهابیان در توسعه کعبه، مسجد الحرام و مسجد النبی انجام می‌دهند از مصادیق بدعت بدانیم. همچنین در اصول الفقه بیان شده است که اصل در امور اباحه است.^۳

۱. ابن تیمیه، اقتضاء الصراط المستقیم، ریاض: مکتبه الرشد، ص ۲۹۳-۲۹۵.

۲. احمد بن عبدالرزاق، اللجنة الدائمة من الفتوی، جده: دارالمؤید، رقم: ۱۷۷۴.

۳. سید محسن امین، تاریخ و نقد وهابیت، ترجمه سید علی اکبر فائزی، ص ۶۱۹.

دلایل مشروعیت بزرگداشت موالید و وفیات

۱. عمومات قرآنی

همان طور که گفتیم اگر عملی تحت عمومات شریعت قرار گیرد، مشروع و مستحب خواهد بود. در ادامه به برخی از این عمومات اشاره خواهیم کرد:

اول: یکی از این عمومات وجوب محبت به پیامبر اکرم (ص) است. مسلمانان با تکیه به این اصل در طول سال و در هر مناسبتی با برگزاری این چنین مراسمی محبت خود را ابراز می کنند.

دوم. یکی دیگر از این عمومات لزوم تعظیم شعائر الهی است: « ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ »؛ این است [فرايض خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دلهاست.^۱

سوم. از عمومات دیگر یادآوری ایام الله است: « وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ »؛ و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرتهاست.^۲

چهارم. دلیل دیگر لزوم بزرگداشت پیامبر است: فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.^۳

باید توجه داشت که تعظیم شعائر (آیه اول)، یادآوری ایام الله (آیه دوم) و بزرگداشت پیامبر (آیه سوم) از اموری است که در دوره های مختلف شکل آن متفاوت خواهد بود. برای مثال یکی از ایام الله عید فطر است. مسلماً در گذشته کسی برای یادآوری و بزرگداشت این روز از ابزاری مانند ماهواره و تلویزیون استفاده نمی کرده است؛ اما امروزه یکی از وسایل و ابزار یادآوری و بزرگداشت ایام الله اینها هستند.

پنجم. هنگامی که حضرت مسیح برای حواریون خود مائده آسمانی طلبید، آنان گفتند: ما روز ورود این مائده آسمانی را که شکمها را سیر می کند جشن می گیریم: « قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوْلَانَا وَ آخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ وَ ارزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ »؛ عیسی بن مریم گفت: بار خدایا، ای پروردگار ما، برای ما

۱. حج، آیه ۳۲.

۲. ابراهیم، آیه ۵.

۳. اعراف، آیه ۱۵۷.

مائده‌ای از آسمان بفرست، تا ما را و آنان را که بعد از ما می‌آیند عیدی و نشانی از تو باشد، و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگان هستی.^۱

اگر نزول مائده از آسمان که نعمتی محدود و زودگذر است، استحقاق جشن سالیانه را داشته باشد، چرا ولادت پیامبر یا روز مبعث ایشان که نعمتی بزرگ برای بشریت است، استحقاق چنین جشنی را نداشته باشد.^۲

۲. سیره نبوی

سیره نبوی نیز مؤید این گونه اعمال است. درباره عزاداری و سوگواری برای درگذشتگان می‌توان به سیره رسول خدا(ص) استناد کرد. رسول خدا(ص) پس از جنگ احد آنگاه که زنان انصار بر شهدای احد گریه می‌کردند، به یاد عموی بزرگوار خود افتاد و فرمود: «ولی کسی برای حمزه گریه نمی‌کند». وقتی یاران پیامبر علاقه ایشان را به برپایی مراسم سوگواری برای حمزه دیدند، به زنان خود دستور دادند که مجلسی برپا کنند و بر عموی پیامبر(ص) سوگواری کنند. مجلس تشکیل شد و رسول خدا(ص) از ابراز عواطف آنان تقدیر و در حق آنها چنین دعا کرد: «رحم الله الانصار». سپس از سران انصار خواست که به زنان خود دستور دهند که به خانه‌های خود بازگردند.^۳ به جز این می‌توان به سیره انبیای دیگری مانند یعقوب اشاره کرد. حضرت یعقوب سال‌های بسیاری برای از دست دادن حضرت یوسف گریه کرد. مسلماً اینکه یعقوب بر فرزندش یوسف می‌گرید، از روی محبت و علاقه باطنی او به یوسف است.

SC03: ۲۶:۳۷

۱. مائده، آیه ۱۱۴.

۲. درباره این استدلال رک: جعفر سبحانی، وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی، ص ۳۴۹-۳۵۰.

۳. ابن هشام، السیرة النبویة، قاهره، مکتبة محمد علی صبیح، ج ۳، ص ۶۱۳.

چکیده

۱. ابن تیمیه دست کشیدن بر قبر، بوسیدن آن، مالیدن صورت بر آن و بوسیدن دست بزرگان دین را از باب اینکه نوعی عبادت است و عبادت تنها مخصوص خداست، حرام می‌داند.
۲. دو نمونه از آیات قرآن به عنوان شاهد بر مشروعیت تبرک به آثار انسان‌های صالح عبارتند از:
الف) تبرک یعقوب به پیراهن یوسف (یوسف/۹۳ و ۹۶)
ب) تبرک یهودیان به صندوق موسی (بقره/۲۴۸).
۳. علاوه بر آیات الهی، روایات و سیره صحابه نیز بر جواز تبرک به اشیاء منسوب به پیامبر (ص) و قبر ایشان دلالت دارند.
۴. بوسیدن و لمس قبر در نظر علمای اهل سنت اختلافی است، برخی آن را مستحب و برخی مکروه یا حرام دانسته‌اند. ولی باید دانست که ادعای شرک و بدعت در این گونه موارد سخن ناصوابی است.
۵. یکی دیگر از عقاید وهابیان برای تخطئه دیگر مسلمانان، بدعت انگاری بزرگداشت موالید و وفیات بزرگان دینی است.
۶. دلایل مشروعیت بزرگداشت موالید و وفیات بزرگان دینی عبارتند از:
الف) عمومات قرآن
ب) سیره نبوی
ج) سیره پیامبران دیگر.
۷. برخی از عمومات قرآنی که بر مشروعیت بزرگداشت موالید و وفیات بزرگان دینی دلالت دارند عبارتند از:
الف) عمومات وجوب محبت به پیامبر اکرم (ص)
ب) عمومات لزوم تعظیم شعائر الهی
ج) عمومات یادآوری ایام الله
د) عمومات لزوم بزرگداشت پیامبر (ص)
ه) جشن حواریون برای ورود مائده آسمانی.